بازخوانی تجربهٔ مدرنیتهٔ روستایی در ایران (مطالعهٔ موردی: روستاهای استان مرکزی)

دکتر کرم حبیب‌پور گتابی*، رضا صفری شالی**

طرح مسئله: *امروزه در نتیجهٔ گسترش رسانه‌ها و نهادهای مدرن، دامنهٔ مدرنیته و تجربهٔ حیات اجتماعی ناشی از آن نه تنها قلمروهای شهری، که قلمروها و بسترهای روستایی را نیز درنوردیده است. روستاها و روستائیان نیز به مانند شهرها و شهری‌ها، حیات اجتماعی مدرنی را تجربه می‌کنند که با حیات چند دههٔ پیش متفاوت است.*

روش: *روش تحقیق، پیمایش با رویکردهای توصیفی و تحلیلی بوده است. جامعه آماری تحقیق، سرپرست‌های خانوار اعم از زن و مرد ساکن در روستاهای ۱۰ شهرستان استان مرکزی می‌باشند که از بین آن‌ها، براساس فرمول کوکران، ۱۱۲۱ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.*

یافته‌ها: *مدرنیتهٔ روستایی در استان مرکزی نشان از رفاه نامتوازن روستایی (پس‌افتادگی رفاه اقتصادی و فرهنگی از رفاه اجتماعی)، میزان بالای مهاجرت، وابستگی مفرط به دولت، عمل‌کرد ضعیف رسانه‌ها اعم از صدا و سیما و مطبوعات، و عمل‌کرد ضعیف نهادهای دولتی مدرن اعم از شوراهای اسلامی روستایی و تعاونی‌های روستایی و کشاورزی داشت.*

نتایج: *عدم جامعیت تجربهٔ مدرنیته توسط جامعهٔ روستایی استان مرکزی موجب ناتمامی پروژهٔ مدرنیته و در نهایت بروز پدیدهٔ مدرنیتهٔ نامتوازن در این روستاها شده که با توجه به فراهم‌نبودن زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن، شاهد شکل‌گیری و تداوم مشکلات اجتماعی متعددی در روستاها هستیم.*

کلید واژه‌ها: توسعه، توسعهٔ روستایی، مدرنیته.

تاریخ دریافت: **۸۷/۰۲/۱۴** ***تاریخ پذیرش:*** **۹۰/۰۴/۰۵**

** دانشجوی‌دکتری‌جامعه‌شناسی‌توسعه، دانشگاه علوم‌دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی <karamhabibpour@yahoo.com>

* دانشجوی دورهٔ دکتری رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مقدمه

روستا به‌عنوان یک ساخت، برای ادامهٔ بقا نیازمند پویایی عناصر است. از طرف دیگر، اساساً توسعه در کل و مشخصاً توسعهٔ روستایی به‌عنوان یک فراگرد[1] تلقی می‌شود که پویایی عناصر ساختی آن، این فرآیند را به جریان می‌اندازد. توسعهٔ روستایی نیازمند بازتولید[2] روستا و پویایی عناصر آن است. بیش‌تر روستاهایی که امروزه در سطح کشور به‌ویژه در استان‌های محروم و حتی در پیرامون قطب‌های صنعتی کشور وجود دارند، روستاهایی هستند که چرخهٔ بازتولید آن‌ها دچار خلل شده و توقف‌ها و حتی انحراف‌هایی در آن صورت گرفته است.

وضعیت کنونی روستاهای ما حاکی از آن است که نیروهای اجتماعی روستا همانند گذشته به بازتولید مؤلفه‌ها و عناصر اجتماعی روستا نمی‌پردازند. از حیث فرهنگی نیز شاهد فقدان و یا ضعف شدید بازتولید روستا هستیم. به‌طوری‌که ضعف هنجاربخشی و نهادینه‌سازی باورها و ارزش‌های مشترک از گذرگاه نسل سلف به نسل کنونی، مصداق بارز این عدم بازتولید فرهنگی است. زیرساخت جامعه و به یک اعتبار، عامل بقا و قوام جامعه، فرهنگ آن جامعه است. اما آن‌چه در مورد بازتولید فرهنگی روستا شاهد هستیم، انهدام و یا کندی روند انتقال فرهنگ ساخته وپرداختهٔ جامعهٔ روستایی از طرف نسل پیشین به نسل کنونی است. شاید اعتقاد بسیاری بر این باشد که والدین در فرهنگ‌سازی اهمال می‌ورزند. اما به‌زعم نگارندگان، به نظر می‌رسد فرآیندهای مدرنیزاسیون و حاملان سترگ آن (رسانه‌ها و نهادهای آموزشی) و تجربهٔ عینی مدرنیته توسط نسل امروزی، بر این شکاف دامن زده است. درواقع، تجربهٔ اجتماعی‌ای که نسل امروزی دارند، متفاوت و گاه متضاد با تجربهٔ نسل قبلی است.

در خصوص فراگرد بازتولید اقتصادی نیز باید اذعان داشت که خالی‌ازسکنه‌شدن روستاها، بسیاری از ساختارهای آن را نیز فروفکنده است. در واقع، همراه با برهم‌خوردن و

1- process 2- reproduction

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

حتی نابودی ساختاری جمعیت به‌خصوص جمعیت فعال اقتصادی، ساختارهای اقتصادی روستا و عناصر آن از هم پاشیدند. امروزه روستاهای کشور فاقد نیروهای تولیدکنندهٔ خاصه در زمینهٔ کشاورزی هستند. این نیروها به‌خاطر جاذبه‌های شهری که به‌ویژه در اثر نهادهای آموزشی و رسانه‌های مدرن فراهم آمده است از یک طرف و دافعه‌های روستایی از طرف دیگر، به شهر رفته و صبغهٔ شهری گرفته و یا حتی در صورت ماندن در روستا، ناراغب از پرداختن به کشاورزی و سایر فعالیت‌های روستایی می‌باشند.

از منظر نظریهٔ جامعه‌شناختی کارکردگرایی ساختاری، در اثر سیاست‌گذاری نامناسب روستایی از جانب مصادر و مراجع مرتبط، جریان بازتولید روستا متوقف و حتی دچار انحراف شده است. در واقع، روستاهای ما به‌دلیل کاهش جمعیت، بسیاری از ساختارهای خود را از دست داده است. به‌عبارتی، نیروهای اقتصادی و اجتماعی فعال در روستاهای کشور، یا دچار اضمحلال شده و یا کارکردهای خویش را از دست داده‌اند. بنا به منابع موجود، در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ یعنی در ظرف ۱۰ سال، تعداد ۳۵ هزار آبادی خالی از سکنه شده‌اند (آسایش، ۱۳۷۶). ضمن‌آن‌که در حال حاضر، حدود ۳۹ درصد جمعیت کشور در نقاط روستایی و حدود ۶۱ درصد آن در نقاط شهری زندگی می‌کنند.

مرکز ثقل مفهومی نوشتار حاضر بر این است که مدرنیتهٔ عارض بر روستاهای کشور، مدرنیته‌ای منحرف و فاقد کمی بینش فرآیندگرایی توأم با فرجام‌گرایی است. در این مقاله، عمدهٔ تأکید بر دو حامل اصلی مدرنتیه یعنی رسانه‌ها و نهادهای آموزشی است. تجربهٔ روستایی ما از مدرنیته، تنها به آن دسته از مدرنیتهٔ اجتماعی توجه کرد که به خدمات رفاهی اجتماعی مربوط می‌شد. درحالی‌که در سایر جوانب مدرنیته به‌خصوص باورها، شناخت‌ها، ادراک‌ها، هنجارها و امثال این‌ها رویهٔ سستی گرفتیم. غافل از این‌که اساس مدرن‌شدن جامعه، مدرن‌شدن انسان (به معنای هایدگری آن) است.

فقدان پیوند ارگانیک بین عناصر ساختی جامعهٔ روستایی، مفهوم کانونی این مطلب است. این فقدان برمی‌گردد به فقدان اندیشه و برنامهٔ مشخص توسعهٔ روستایی از سوی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

دست‌اندرکاران. با مرور بر سیاست‌های توسعهٔ روستایی در کشور، استیلای ناگفته و پنهان نظریهٔ نوسازی و بنیادهای نظری و روش‌شناختی آن کاملاً مشخص است. اما مسئله‌ای که هم چنان مفقود مانده، درنظرنگرفتن یک برنامهٔ عمل و چارچوب اجرایی مشخص در این راستاست. تحت تأثیر دیدگاه نوسازی، انواع خدمات اجتماعی را ارزانی روستاها کردیم، اما غافل از هیچ گونه خدمات اقتصادی. خدمات ارائه‌شده، عمدتاً ماهیت رفاه کوتاه‌مدت و به عبارتی رفاه دیگرساخته و برونی داشته‌اند، درحالی‌که خدمات رفاهی که نگاه بلندمدت بر آن‌ها حاکم باشد و منشأ تولید و درآمد گردند، جایی در این میدان نداشت.

براساس توجه به این واقعیات، لزوم توجه به مناطق روستایی و هموارسازی مسیر حرکت به سوی تعیین چارچوب‌های مناسب اندیشه و عمل توسعهٔ روستایی در سطح کشور امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. جامعه روستایی استان مرکزی نیز از جمله محیط‌هایی است که گریبان‌گیر (اگر نگوییم تمامی) غالب مسائل و مشکلات مترتب بر جامعهٔ روستایی در سایر نقاط کشور می‌باشد. در واقع، سئوالاتی که در بالا درخصوص کلیت روستاهای کشور طرح شد، در مورد روستاهای استان مرکزی نیز محل صدق است. از این رو، این تحقیق با طرح و تدقیق در باب چنین سئوالاتی، درصدد پاسخ گویی به این سئوال اصلی است که مدرنیتهٔ روستایی عارض بر جامعهٔ روستایی استان مرکزی از چه مؤلفه‌هایی برخوردار است؟ آیا این نوع مدرنیته، مدرنیتهٔ واقعی است که تمامی جوانب روستایی را به‌طور هماهنگ شامل می‌شود؟

۲- بنیادهای نظری و معرفتی

تحقیق حاضر از سه رویکرد نظری: ۱) الگوی بهبود از مجموعهٔ الگوهای توسعهٔ روستایی، ۲) دیدگاه نوسازی، و ۳) دیدگاه کارکردگرایی ساختاری به منظور معرفت به تجربهٔ مدرنیتهٔ روستایی در روستاهای استان مرکزی استفاده کرده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۱-۲- الگوی بهبود

الگوی بهبود درصدد بهبود شرایط جامعه بدون هیچ تحولی در ساخت است. به‌عبارتی، این دیدگاه درصدد است تا با ارائهٔ راه‌کارهایی اصلاحی، شرایط جامعه را در قالب ساخت کنونی بهبود بخشد. در این شیوه با اعزام کارشناسان و انجام کارهای آموزشی و ترویجی، در جهت بهبود شرایط زندگی جامعه هدف اقدام می‌گردد. از خصوصیات بارز استراتژی بهبود این است که در مورد توزیع مجدد منابع تولید میان دهقانان کاری انجام نمی‌دهد و فقط به تهیه و تدارک سرمایهٔ بیش‌تر و تجهیزات برای زارعان به‌ویژه عمده‌مالکان می‌پردازد که این امر می‌تواند به دوقطبی‌شدن گروه‌ها در مناطق منجر شود. استراتژی بهبود از نظر اهداف، ایدئولوژی، نهادها و سیستم توزیع، دو خط‌مشی فرعی متفاوت دارد: استراتژی تکنوکراتیک[1] مبتنی بر افزایش تولیدات کشاورزی و استراتژی اصلاح‌طلبانه[2] مبتنی بر توزیع درآمد در میان بعضی از بخش‌های جامعه به‌ویژه دهقانان متوسط (ازکیا، ۱۳۷۴الف).

۲-۲- الگوی نوسازی

نظریهٔ نوسازی با نگرش لیبرال به مسئلهٔ توسعهٔ جوامع سنتی و اعتقاد به رویکرد رخنه به پایین[3] (Long, 2001) در اواخر دههٔ ۱۹۵۰ و اوایل دههٔ ۱۹۶۰ تأثیرات عمده‌ای بر علوم اجتماعی به جا نهاد (اینگلهارت، ۱۳۷۷). نظریه‌پردازان نوسازی نگاهی دوگانه از جوامع داشته و بر این باورند که جوامع یا سنتی هستند یا مدرن. این نظریه‌پردازان ابعاد این دوگانگی هر کدام از دو جامعه را برحسب متغیرها و شاخص‌های مورد علاقه و مطالعه‌شان تعریف می‌کنند. نظریهٔ نوسازی بر این فرض است که تمامی جوامع در یک مرحله شبیه به هم بوده (مرحلهٔ سنتی) و در نهایت با پشت‌سرگذاشتن دگرگونی‌های مشابه کشورهای غربی، و از طریق اشاعهٔ فرهنگی، به صورت جوامع مدرن درخواهند آمد (سو، ۱۳۷۸؛ ازکیا، ۱۳۷۴ب). بنابراین، دیدگاه نوسازی وجود دو حالت سنتی و مدرن را برای

1- technocratic Strategy 2- reformist Sterategy 3- trickle-down

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تمامی جوامع مفروض گرفته و بـا ایـن تقـسیم‌بنـدی، وضـعیت ایـن جوامـع را معلـوم و پیش‌بینی‌پذیر می‌پندارد.

۳-۲- دیدگاه کارکردگرایی ساختاری

تقاطع ارتباطی این مطالعه با نظریهٔ کـارکردگرایی سـاختاری، اشـارهٔ آبـرل و همکـاران بـه پیش‌نیازهای کارکردی یک جامعه می‌باشد. به‌زعم این افراد، یک نظـام اجتمـاعی (جامعـه) برای بقای خود به شرایط بنیادی نیاز دارد که اگر این شرایط فراهم نباشد، جامعه‌ای نیز بـه جای نخواهد ماند: نخستین عامل، به ویژگی‌های جمعیتـی جامعـه مربـوط مـی‌شـود. اگـر جمعیت هر جامعه‌ای نابود یا پراکنده شود، و یا جامعه چندان جمعیـت خـود را از دسـت دهد که ساختارهای گوناگونش از عمل کرد بیفتند درآن‌صورت وجود جامعـه آشـکارا بـه خطر خواهد افتاد. دومین عامل این است که هر جامعه‌ای باید به انـدازهٔ کـافی نقـش‌هـای تفکیک‌شده در اختیار داشته باشد و نیز این را بداند که به چه شیوه‌ای ایـن نقـش‌هـا را بـه مردمش واگذار کند. مهم‌ترین صورت تفکیک نقـش، قـشربندی اجتمـاعی اسـت کـه هـر جامعه‌ای برای زنده‌ماندن، به آن نیاز دارد (ریتزر، ۱۳۷۴).

پیش‌نیاز کارکردی سوم، ایجاد و حفظ نظام‌های نمادین مشترک و به عبارتی یک نظـام ارتباطی کارآمد است. این نظام‌های نمادین مشترک و نظام فرهنگـی ارزشـی، زمینـهٔ بقـا و تداوم آن جامعه را فراهم می‌آورد. تقابل نظام ارزشی نسل جدید با نسل قدیم در اثر ورود نهادهای آموزشی و رسانه‌ای ملازم با مدرنیتـه، مؤیـد تـضعیف نظـام نمـادین و فرهنگـی مشترک در جامعهٔ روسـتایی اسـت. هـم چنـین، از دیـدگاه کـارکردگرایی سـاختاری، هـر جامعه‌ای برای بقای خود، به اجتماعی‌کردن اعضایش نیاز دارد. مردم جامعه بایـد چیزهـای زیادی را یاد بگیرند و ملکهٔ ذهن خـود سـازند. اگـر چنـین چیـزی اتفـاق نیفتـد، جامعـه امکان‌پذیر نخواهد بود (همان).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۳- مرور بر نتایج مطالعات پیشین

موضوع مدرنیتهٔ روستایی مقوله‌ای است که به دلیل بافت چندبعدی خود، مبانی اندیشگی و معرفتی محققان و اندیشمندان حوزه‌های اجتماعی، روانشناسی اجتماعی، مدیریت، جغرافیا و ... را به چالش طلبیده و ادبیات تجربی موضوعی بسیاری را در این حوزه در قالب مقاله، کار پژوهشی، گزارش دولتی و رساله‌های مقاطع گوناگون کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در داخل و خارج از کشور موجب گشته است. برخی از مهم‌ترین این مطالعات عبارت می‌باشند از:

در میان مطالعات داخلی، عدم انسجام، عدم هدف‌مندی و ناهماهنگی و از همه مهم‌تر تأثیرپذیری سیاست‌های توسعهٔ روستایی از اهداف غیراقتصادی (مشرفی، ۱۳۷۱)، نقش سازمان‌های محلی در توسعهٔ همه‌جانبهٔ روستایی (مبارکی، ۱۳۷۳)، رابطهٔ نابرابر شهر و روستا (فخرالدین تفتی، ۱۳۷۴)، تأثیر عوامل محیطی، انسانی، اقتصادی و کالبدی بر مهاجرت و خالی‌ازسکنه شدن روستاها و در ادامه نقش مهاجرت روستایی در بلااستفاده‌شدن منابع طبیعی و انسانی (محمدی یگانه، ۱۳۸۳)، تأثیر راه‌حل‌های بخشی‌نگر بر افزایش بیکاری در روستاها (نیای‌گابیه، ۱۳۸۳)، نقش بیکاری در مهاجرت روستایی (فشاری‌پور، ۱۳۸۷)، ضعف عملکرد شوراها در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاها (احمدی، ۱۳۸۶)، و تأثیر توسعهٔ کشاورزی بر توسعهٔ اجتماعی مانند سواد، مشارکت و مهاجرت (منصوری، ۱۳۸۸) مورد بررسی و اشاره قرار گرفته‌اند.

در سایر ممالک نیز، مطالعاتی درباب زوایای مختلف توسعهٔ روستایی مانند اهمیت تمرکززدایی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار توسعهٔ روستایی (Parker, 1995)، ضرورت همکاری و تشریک مساعی چهار عنصر دولت، بخش‌های مولد، بخش‌های اجتماعی و بازار در توسعهٔ روستایی (Maxwell, 2003)، ضرورت تقویت همکاری بین کنش‌گران عمومی و خصوصی در نیل به توسعهٔ روستایی پایدار (Kostov and Lingard, 2004)؛ و اهمیت زیرساخت‌های روستایی در پیوندزدن روستاها به اقتصاد ملی (Bery and et al., 2004) صورت گرفته است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مرور بر مطالعات انجام‌شده اعم از داخلی و خارجی حاکی از آن است که تاکنون مطالعهٔ جامعی راجع به مسائل اجتماعی در روستاها صورت نگرفته و منابعی که وجود دارد، تنها در سطح مقالات مروری و نظری است تا مقالات و کارهای پژوهشی. از همین روی، تحقیق حاضر با تلفیق نظریه‌ها سعی کرده است حتی‌الامکان و با توجه به ظرفِ منابع انسانی و مالی، تبیین جامعی از تجربهٔ مدرنیتهٔ روستایی در استان مرکزی ارائه دهد.

۴- روش‌شناسی

۴-۱- نوع، سطح و روش تحقیق

مطالعهٔ حاضر از نوع مطالعات غیرتجربی (غیرآزمایشی) است که در سه سطح اکتشافی، توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است. روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه نیز، از نوع پیمایشی است.

۴-۲- جامعهٔ آماری

جامعهٔ آماری مطالعه را، سرپرست‌های خانوار (اعم از زن و مرد) در روستاهای مورد مطالعهٔ استان مرکزی تشکیل داده، که شمار آن‌ها به ۱۱۴۹۴۶ خانوار در ده شهرستان استان مرکزی می‌رسد.

۴-۳- حجم نمونه و شیوهٔ نمونه‌گیری

در این تحقیق، حجم نمونه براساس فرمول کوکران برابر با ۱۰۵۷ خانوار محاسبه شده است.

$$n = \frac{N.t^2.p.q}{N.d^2 + t^2.p.q} = \frac{۱۱۴۹۴۶ \times (۱/۹۶)^2 \times (۰/۵) \times (۰/۵)}{۱۱۴۹۴۶ \times (۰/۰۳)^2 + (۱/۹۶)^2 \times (۰/۵) \times (۰/۵)} = ۱۰۵۷$$

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

اما ازآن‌جاکه تعداد نمونه در برخی بخش‌ها و دهستان‌های منتخب کم‌تر از ۵۰ نفر بود، بنابراین به‌منظور نیل به نتایج دقیق‌تر با حداقل میزان خطا، حجم نمونه در دهستان‌های با کم‌تر از ۵۰ نفر، به تعداد ۵۰ نفر افزایش یافت. از این رو، حجم نمونهٔ آماری این تحقیق از **۱۰۵۷** نفر به **۱۱۲۱** نفر افزایش یافت.

برای نمونه‌گیری، در وهلهٔ نخست کل روستاهای تمامی شهرستان‌های استان براساس متغیر جمعیت در سه دسته طبقه‌بندی شده و سپس از میان این سه دسته، به نسبت جمعیت روستایی هر شهرستان، نمونه‌گیری به عمل آمد. بدین صورت که در ده شهرستان استان، ابتدا نام بخش‌ها، دهستان‌ها و تعداد جمعیت هر یک از این سطوح مشخص شده، و سپس به نسبت جمعیت هر یک از این سطوح، دو روستا به‌عنوان واحد آماری و تحلیل انتخاب شدند. اولین روستا، مرکز دهستان منتخب و دومین روستا نیز، یکی از روستاهای تابعه و پیرامون بوده است. در ادامه، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، روستاهای مورد مطالعه انتخاب شده و پس از آن، براساس روش نمونه‌گیری تصادفی، پرسش نامه‌ها در میان سرپرست‌های خانوار روستایی به تفکیک در شهرستان‌ها تکمیل شدند.

۴-۴- اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری

در این تحقیق، سنجش اعتبار[1] ابزار اندازه‌گیری (پرسش نامه) از طریق روش اعتبار محتوا (و آن‌هم از نوع اعتبار صوری) انجام گرفته است. بدین معنی که پرسش نامهٔ تدوین‌شده در اختیار ناظر محترم طرح و هم چنین چند تن از کارشناسان و صاحب‌نظران در زمینه مسائل روستایی قرار داده شد و پس از اعمال نظرات اصلاحی آنان، پرسش نامهٔ نهایی تدوین گردید. برای تعیین پایایی[2] پرسش نامه نیز، از روش آلفای کرونباخ[3] استفاده شده است که طبق نتایج حاصله، ضریب آلفای شاخص‌های تحقیق از مقدار حداقل ۰/۷۰ بالاتر

1- validity 2- reliability 3- cronbach Alpha

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

بود که این مقدار دلالت بر میزان بالای پایایی پرسش نامه و به عبارتی میزان بالای هم‌سازی گویه‌های هر شاخص جهت سنجش آن دارد.

۵-۴- تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

- **مدرنیتهٔ روستایی:** اصطلاح مدرنیتهٔ روستایی به تجربیات عاملیتی، فرآیندی و ساختاری اشاره دارد که جامعهٔ مدرن روستایی در عمل با آن‌ها درگیر می‌باشد. در این تحقیق، مدرنیتهٔ روستایی براساس چهار شاخص رفاه (جامع) روستایی، دولت‌گرایی، رسانه‌ها و نهادهای مدرن تعریف شده است.
- **رفاه روستایی:** در این تحقیق، رفاه به معنای بسیار عام در نظر گرفته شده و در یک تعبیر کلی در قالب دو نوع رفاه اقتصادی (اشتغال، مسکن، درآمد و...) و اجتماعی و فرهنگی (امکانات آموزشی و فرهنگی، امکانات بهداشتی، امکانات ورزشی، بیمه، امکانات تفریحی، امکانات فیزیکی و زیربنایی) مورد سنجش قرار گرفته است.
- **دولت‌گرایی:** به معنای وابستگی مفرط به دولت است که در این تحقیق، به‌صورت میزان وابستگیِ ذهنی و عینی روستائیان به دولت و فعالیت‌های متقدم آن در مقایسه با هرگونه فعالیت مشارکتی از طرف خود سنجش و بررسی شده است.
- **نهادهای مدرن دولتی:** در این تحقیق، نهادهای مدرن دولتی در قالب دو نهاد شوراهای اسلامی روستاها و شرکت‌های تعاونی روستایی یا کشاورزی مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است. بدین صورت که در زمینهٔ نهاد شوراها، به بررسی نظر پاسخ گویان در زمینهٔ نقش شورایاری در سه حوزه: ۱) انتقال خواسته‌ها و نظرات روستائیان به مسئولین، ۲) پیگیری و نظارت بر عمل کرد دستگاه‌ها و ادارت در روستا و ۳) تلاش برای حل اختلافات و درگیری‌های بین مردم پرداخته شده است. در رابطه با نهاد شرکت‌های تعاونی روستایی یا کشاورزی نیز، نظر پاسخ گویان درخصوص نقش این نهاد در برآوردن نیازمندی‌های روستائیان مورد سنجش قرار گرفته است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۵- یافته‌ها

۵-۱- ویژگی‌های مربوط به بافت نمونهٔ آماری

- ۶۹/۹ درصد از پاسخ گویان این تحقیق مرد و ۳۰/۱ درصد زن بوده‌اند.
- تحصیلات ابتدایی با ۳۱/۷ درصد و بی‌سواد با ۳۰/۲ درصد، و خواندن و نوشتن با ۲۳/۷ درصد، پایین‌ترین میزان تحصیلات در بین پاسخ گویان بوده‌اند.
- راهنمایی (۳۸/۳ درصد)، دیپلم (۳۲/۴ درصد) و کارشناسی (۱۲/۵ درصد) بالاترین سطح تحصیلات اعضای خانوادهٔ پاسخ گویان بوده‌اند.
- مشاغل آزاد (۳۴/۶ درصد)، کشاورز (۳۲ درصد) و کارمند (۱۱/۲ درصد) به ترتیب مشاغل اصلی پاسخ گویان بوده‌اند.
- نسبت اشتغال در بین ۶۳/۷ درصد از خانوارها ۱ نفر و ۲۷/۵ درصد از آن‌ها ۲ نفر بوده است.

۵-۲- ویژگی‌های مربوط به تجربهٔ مدرنیتهٔ روستایی

در این قسمت به نتایجی از تحقیق اشاره می‌شود که راجع به ویژگی‌های مختلف تجربهٔ مدرنیته توسط روستاهای استان مرکزی است. مدرنیته‌ای که براساس چهار شاخص رفاه (جامع) روستایی، دولت‌گرایی، رسانه‌ها و نهادهای مدرن تعریف شده است. نتایج زیر به شرح تفکیکی وضعیت این مؤلفه‌ها در روستاهای استان مرکزی در قالب کلیت مدرنیته می‌پردازد:

۵-۲-۱- رفاه (جامع) روستایی

سنجش وضعیت روستاهای استان مرکزی از حیث برخی مؤلفه‌های رفاهی، اولین بخش از مجموعهٔ اهداف این تحقیق می‌باشد. نتایج حاصل از سنجش و بررسی وضعیت رفاه روستایی در این استان نشان از آن داشت که در سطح کل استان، ۳۲/۳ درصد از پاسخ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

گویان اظهار داشته‌اند که بیکاری مهم‌ترین مشکل روستائیان استان است. ۹/۹ درصد از آن‌ها نیز اذعان داشته‌اند که درآمد پایین و فقر مالی مهم‌ترین مشکل روستائیان است. مشکل کم‌آبی و خشک سالی نیز مشکل دیگر روستاهای استان مرکزی بود که ۹/۴ درصد از پاسخ گویان بر آن صحه گذاشته‌اند. هم چنین، براساس نتایج مصاحبه، بیش‌تر پاسخ گویان بر این باور بودند که مشکلاتی که الان روستاها دارند، نسبت به ۵ سال گذشته کم‌تر شده و حتی معتقد به بهبودی بیش‌تر آن در آینده بوده‌اند.

جدول ۱: توزیع نسبی پاسخ گویان برحسب نظر آن‌ها راجع به مهم‌ترین مشکلات روستاها

مشکلات	فراوانی	درصد
بیکاری	۳۶۲	۳۲/۳
مسکن	۱۷	۱/۵
درآمد پایین و فقر مالی	۱۱۱	۹/۹
نبود امکانات ورزشی	۳۷	۳/۳
نبود امکانات آموزشی و فرهنگی	۵۸	۵/۲
نبود امکانات بهداشتی	۹۹	۸/۸
کم‌آبی و خشک سالی	۱۰۶	۹/۴
مشکلات کشاورزی	۱۰	۰/۹
نبود تسهیلات رفاهی (مانند بانک، مخابرات، جاده و ...)	۱۷۴	۱۵/۵
مهاجرت	۱۵	۱/۳
نبود دامپزشک	۳۵	۳/۱
نبود امکانات تفریحی مانند پارک	۸۴	۷/۵
عدم بیمهٔ عمر برای روستائیان	۴	۰/۴
عدم رسیدگی مسئولین	۳	۰/۳
مشکلات دامداری (مانند گوشت ارزان و نداشتن سرمایه)	۱	۰/۱
اعتیاد جوانان	۴	۰/۴
عدم امنیت	۱	۰/۱
کل	**۱۱۲۱**	**۱۰۰**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

نشان دیگری که مطلب این بخش دال بر رفاه نامتوزان و یک‌جانبهٔ روستایی را تأیید می‌کند، وضعیت درآمدی روستائیان است. طبق نتایج تحقیق، روستائیان نه تنها درآمد مناسبی ندارند (۴۴/۳ درصد دارای درآمد ماهیانه بین ۱۲۱ تا ۲۰۰ هزار تومان)، بلکه این درآمد کفاف زندگی آن‌ها را نمی‌دهد (وجود نارضایتی در بین ۵۰/۴ درصد). این در حالی است که ۳۷/۸ درصد از پاسخ گویان گفته‌اند درآمد حاصله به دشواری با مخارج زندگی آن‌ها برابری کرده و کفاف آن را می‌دهد. اما در مقابل، تنها ۱۱/۸ درصد از پاسخ گویان اظهار داشته‌اند درآمد آنان کفاف مخارج زندگی را می‌دهد.

جدول ۲: توزیع نسبی پاسخ گویان برحسب وضعیت درآمدی

شرح		فراوانی	درصد
میزان درآمد (ماهیانه)	۱۲۰ هزار تومان و کم‌تر	۴۰۹	۳۶/۵
	۱۲۱ تا ۲۰۰ هزار تومان	۴۹۷	۴۴/۳
	۲۰۱ هزار تومان و بیش‌تر	۲۱۵	۱۹/۲
کل		**۱۱۲۱**	**۱۰۰**
وضعیت کفاف درآمدی	بله، کفاف می‌دهد	۱۳۲	۱۱/۸
	بله، تاحدودی (بالاخره می‌گذرانم)	۴۲۴	۳۷/۸
	خیر	۵۶۵	۵۰/۴
کل		**۱۱۲۱**	**۱۰۰**

یکی از نتایج رفاه نامتوزان روستایی که در بالا شرح چگونگی آن گذشت، همانا مهاجرت روستایی است. امروزه در اندیشه و عمل توسعه، اعتقاد بر این است که جمعیت عامل مهمی در تحقق توسعه است. به‌طوری‌که سطح توسعهٔ جوامعی که از جمعیت بیش‌تری برخوردارند، بیش از جوامعی است که جمعیت کم‌تری دارند. در قالب دیدگاه کارکردگرایی ساختاری نیز، چنان چه جامعه‌ای جمعیتش را از دست دهد، فرجام زوال آن جامعه زودتر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

خواهد بود. این موضوع به‌خصوص در مبحث توسعهٔ روستایی و مشخصاً مطالعهٔ حاضر از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به همین منظور، و جهت سنجش وضعیت جمعیت روستاهای استان مرکزی، در این تحقیق طی سئوالی که در این خصوص شد، نتایجی مبنی بر مهاجرت جمعیت روستاها در استان به دست آمد. براساس این نتایج، ۲۹/۴ درصد از پاسخ گویان میزان مهاجرت روستائیان را در حد متوسط و ۲۷/۹ درصد در حد زیاد عنوان کرده و عمدهٔ دلیلی (۵۲/۶ درصد) هم که آن‌ها برای این مهاجرت اقامه داشتند، یافتن کار و شغل بوده است. ضمن‌آن‌که همین پاسخ گویان زمانی که از گرایش و تمایل آن‌ها به مهاجرت به‌عنوان یک فرد نوعی روستایی پرسش شد، اگرچه نتایج نشان از تمایل کم روستائیان به مهاجرت از روستا داشت، اما در عین حال، حدود یک پنجم (۲۶/۶ درصد) و گاه یک چهارم و یک سوم از آن‌ها نیز در برخی شهرستان‌ها گفته‌اند اگر شرایط مساعد امکانات و زندگی در خارج از روستا فراهم شود، مهاجرت خواهند کرد.

جدول ۳: توزیع نسبی پاسخ گویان برحسب نظر آن‌ها راجع به میزان و دلایل مهاجرت روستائیان به نقاط دیگر ظرف ۵ سال گذشته و میزان تمایل شخصی به مهاجرت

شرح		فراوانی	درصد
میزان مهاجرت روستائیان به نقاط دیگر ظرف ۵ سال گذشته	خیلی زیاد	۸۰	۷/۱
	زیاد	۲۳۳	۲۰/۸
	تااندازه‌ای	۳۳۰	۲۹/۴
	کم	۲۵۰	۲۲/۳
	خیلی کم	۱۷۳	۱۵/۵
	اصلاً	۵۵	۴/۹
کل		**۱۱۲۱**	**۱۰۰**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

دلایل مهاجرت روستائیان به نقاط دیگر	نبود امکانات تحصیل	۲۰۹	۱۸/۶
	نبود امکانات کار	۵۹۰	۵۲/۶
	نبود امکانات رفاهی کافی	۳۲۲	۲۸/۷
کل		**۱۱۲۱**	**۱۰۰**
میزان تمایل به مهاجرت از روستا، درصورت فراهم‌شدن امکان مهاجرت و زندگی در خارج از روستا	خیلی زیاد	۸۰	۷/۱
	زیاد	۲۱۹	۱۹/۵
	تااندازه‌ای	۲۷۰	۲۴/۱
	کم	۲۲۶	۲۰/۲
	خیلی کم	۲۰۸	۱۸/۶
	اصلاً	۱۱۸	۱۰/۵
کل		**۱۱۲۱**	**۱۰۰**

۲-۲-۵- دولت‌گرایی

مفهوم مدرنیتهٔ دولتی در نگاه اول شاید تعبیری مثبت نماید، اما معنای واقعی آن (در حالت افراطی) در مورد کشور توسعه‌نیافته‌ای چون ایران حامل بار منفی است. نگارندگان این سطور ضمن اذعان به نقش دولت در مراحل اولیهٔ توسعه و مدرنیته به‌ویژه روستایی، داعیهٔ مخالفت با مدرنیتهٔ دولتی ندارند. اما مسئله این‌جاست که این مدرنیتهٔ دولتی در روستاهای ایران نشان از نوعی وابستگی دولتی دارد، وابستگی‌ای که از ابتدای ورود دولت به روستاها به‌خصوص از دورهٔ اصلاحات ارضی بارز است. این دولت‌گرایی افراطی در روستاها موجب گشته تا روستائیان مسئول هرگونه کنش (و حتی اندیشه) نسبت به توسعهٔ روستا را دولت و نهادهای وابسته بدانند. جدول زیر نظر روستائیان مورد مطالعه درخصوص نقش عاملیت‌های مختلف در روستاها را در تشخیص مشکلات از یک طرف و توانایی حل مشکلات از طرف دیگر نشان می‌دهد. نتایج جدول گویای آنست که به‌زعم ۳۹/۷ درصد از روستائیان مورد مطالعه، این مسئولین هستند که قادرند مشکلات روستاها را تشخیص

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

دهند و در عین حال ۴۵ درصد از آنان نیز حتی رفع مشکلات را وظیفهٔ مسئولین دانسته‌اند. این در حالی است که تنها ۲۳/۹ درصد از پاسخ گویان به نقش مردم در تشخیص مشکلات، و ۴۰ درصد از آنان به نقش مردم در رفع مشکلات اشاره کرده‌اند. ضمن‌آن‌که به‌زعم پاسخ گویان، نقش شوراها در تشخیص (۳۵/۳ درصد) و رفع (۴۷/۷ درصد) مشکلات، حتی از نقش مردم بیش‌تر است که این امر به نوبهٔ خود دلالت دیگری بر ذهنیت دولت‌گرایی منفی در بین روستائیان می‌باشد.

جدول ۴: توزیع نسبی پاسخ گویان برحسب نظر آن‌ها راجع به میزان توانایی تشخیص و حل مشکلات روستائیان توسط افراد مختلف روستا

شرح	توانایی تشخیص مشکلات					توانایی حل مشکلات				
	مردم و روستائیان	مسئولین	مردم و مسئولین	شورا	افراد تحصیل‌کرده	مردم و روستائیان	مسئولین	مردم و مسئولین	شورا	افراد تحصیل‌کرده
خیلی زیاد	۷/۵	۱۰	۱۱/۹	۱۱/۴	۶	۱۴/۵	۱۴/۳	۱۵/۹	۱۶/۵	۱۱/۲
زیاد	۱۶/۴	۲۹/۷	۲۲/۱	۲۳/۹	۲۰/۲	۲۵/۵	۳۰/۷	۲۸/۲	۳۱/۲	۳۱/۹
متوسط	۳۷/۲	۳۷	۳۶/۲	۳۴/۱	۴۱/۳	۴۱/۵	۳۷/۹	۳۳/۱	۳۱/۹	۳۸/۱
کم	۲۲/۲	۱۴/۴	۱۶/۸	۱۹/۳	۲۲/۱	۱۲/۹	۱۱/۴	۱۶/۸	۱۴/۶	۱۳/۲
خیلی کم	۱۲/۲	۶/۴	۸/۹	۸/۶	۷/۵	۴/۸	۴/۶	۴/۴	۵/۲	۴/۸
اصلاً	۴/۴	۲/۶	۴	۲/۷	۳	۰/۸	۱/۱	۱/۶	۰/۷	۰/۷
کل	**۱۰۰**	**۱۰۰**	**۱۰۰**	**۱۰۰**	**۱۰۰**	**۱۰۰**	**۱۰۰**	**۱۰۰**	**۱۰۰**	**۱۰۰**

افزون بر این، نتایج بعدی تحقیق نیز دلالت بر وابستگی به دولت در ذهنیت روستائیان داشت. به‌طوری‌که با وجود این‌که ۳۲/۳ درصد از پاسخ گویان اعتقاد داشته‌اند روستائیان باید به دولت و مسئولین در حل مشکلات روستاها کمک کنند، اما این اعتقاد آن‌قدر قوی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

نیست. چراکه در عین حال نسبت قابل‌توجه و با تفاوت نه چندان زیادی از همین روستائیان (۲۶/۳ درصد) نیز معتقد بوده‌اند که کمک روستائیان به دولت برای حل مشکلات روستاها چندان لزومی ندارد.

جدول ۵: توزیع نسبی پاسخ گویان برحسب اعتقاد به میزان کمک مردم به دولت و مسئولین برای حل مشکلات روستاها

شرح	اعتقاد به میزان کمک مردم به دولت و مسئولین برای حل مشکلات روستاها		تمایل به همکاری با مسئولین در حل مشکلات روستاها	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی زیاد	۸۵	۷/۶	۱۵۹	۱۴/۲
زیاد	۲۷۷	۲۴/۷	۳۳۴	۲۹/۸
تااندازه‌ای	۳۲۵	۲۹	۲۶۵	۲۳/۶
کم	۱۹۹	۱۷/۸	۱۷۵	۱۵/۶
خیلی کم	۱۹۱	۱۷	۱۲۰	۱۰/۷
اصلاً	۴۴	۳/۹	۶۸	۶/۱
کل	**۱۱۲۱**	**۱۰۰**	**۱۱۲۱**	**۱۰۰**

۳-۲-۵- رسانه‌ها

در ادبیات مدرن توسعه، رسانه‌ها مهم‌ترین عامل تغییرند. رسانه‌ها در طول تاریخ همواره از عوامل زمینه‌ساز تحول جوامع بوده و هستند. رسانه‌ها با تغییر درون‌مایه‌های شناختی و نگرشی روستائیان، موجب آمادگی آن‌ها برای پذیرش و انجام بسیاری از فعالیت‌های توسعه‌ای می‌شوند. در این مطالعه، نقش رسانه‌های استان در تحقق مدرنیتهٔ روستایی از دو زاویهٔ نقش صداوسیما و مطبوعات مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج مربوط به بررسی نقش رسانه‌ها در انتقال مشکلات روستائیان به مسئولین گویای آنست که در سطح استان، ۵۵/۴ درصد از پاسخ گویان اظهار داشته‌اند صداوسیمای استان کم‌تر توانسته مشکلات

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

روستائیان را به دولت و مسئولین ذی‌ربط استانی گوشزد کند. درخصوص نقش مطبوعات در انتقال مشکلات روستائیان به روستاها از طریق نوشتن مطالب نیز، با استناد به نتایج جدول مربوطه، در سطح استان، ۶۶/۷ درصد از پاسخ گویان بر این باور بوده‌اند که مطبوعات استان مطالب کمی راجع به مشکلات روستائیان می‌نویسند.

جدول ۶: توزیع نسبی پاسخ گویان برحسب نظر آن‌ها راجع به نقش رسانه‌های استان در انتقال مشکلات روستائیان به مسئولین

شرح	انتقال مشکلات روستائیان به مسئولین توسط صدا و سیمای استان		نوشتن مطلب در مورد مشکلات روستائیان توسط مطبوعات و روزنامه‌ها	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی زیاد	۴۰	۳/۶	۲۱	۱/۹
زیاد	۱۹۸	۱۷/۶	۱۰۳	۹/۲
تااندازه‌ای	۲۶۲	۲۳/۴	۲۴۷	۲۲
کم	۲۶۰	۲۳/۲	۲۵۶	۲۲/۹
خیلی کم	۱۹۴	۱۷/۳	۲۳۸	۲۱/۲
اصلاً	۱۶۷	۱۴/۹	۲۵۶	۲۲/۹
کل	**۱۱۲۱**	**۱۰۰**	**۱۱۲۱**	**۱۰۰**

۴-۲-۵- نهادهای مدرن دولتی

۱-۴-۲-۵- شوراهای اسلامی روستاها

مدیریت روستایی کشور از سال ۱۳۴۲ با تصویب و اجرای قانون تشکیل انجمن‌های ده و اصلاح امور اجتماعی دهات تحت هدایت وزارت کشور، اولین نهاد مدیریتی را تجربه کرده است (طالب، ۱۳۷۶؛ رضوانی، ۱۳۸۳). در حال حاضر نیز شوراها مهم‌ترین نهاد مدیریت روستایی در ایران قلمداد می‌شوند که با توجه به اهداف پیش‌بینی‌شدهٔ آن‌ها می‌توانند کارگزار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تغییرات اساسی در روستاها باشند. در این تحقیق نیز، معرفت به نقش شوراها در امور روستاها از زمرهٔ اهداف اختصاصی بوده است. در این قسمت از نوشتار به شرح نتایجی می‌پردازیم که از بررسی این هدف حاصل شده است. براساس این نتایج، شوراهای روستایی استان مرکزی نقش متوسطی در مدیریت روستایی داشته و به عبارتی چندان در این امر موفق نبوده‌اند. این تلقی مردم از عمل کرد شوراهای اسلامی روستاها، در نهایت نارضایتی آنان از شوراها را موجب گشته است. به‌طوری‌که از نظر ۳۸ درصد از پاسخ گویان شوراها نقش کمی در انتقال خواسته‌ها و نظرات روستائیان به مسئولین داشته‌اند (اگرچه ۳۵/۸ درصد از آن‌ها نیز ارزیابی خوبی از این نقش شوراها داشته‌اند). در رابطه با پیگیری و نظارت بر عمل کرد دستگاه‌ها و ادارت در روستاها نیز، ۳۴/۸ درصد از پاسخ گویان نقش شوراها در این راستا را ضعیف ارزیابی کرده‌اند. و نهایتاً ۳۷/۱ درصد از پاسخ گویان نیز گفته‌اند که شوراها در حل اختلافات و درگیری‌های بین مردم نیز عمل کرد چندان موفقی نداشته‌اند.

جدول ۷: توزیع نسبی پاسخ گویان برحسب میزان رضایت از فعالیت‌ها و عمل کرد شوراهای اسلامی روستایی

شرح	انتقال خواسته‌ها و نظرات روستائیان به مسئولین		پیگیری و نظارت بر عمل کرد دستگاه‌ها و ادارت در روستا		تلاش برای حل اختلافات و درگیری‌های بین مردم	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی زیاد	۳۵	۳/۱	۹۵	۸/۴	۷۴	۶/۶
زیاد	۲۵۹	۲۳/۱	۳۵۳	۳۱/۵	۲۸۶	۲۵/۵
تااندازه‌ای	۴۰۱	۳۵/۸	۲۸۳	۲۵/۲	۳۴۴	۳۰/۷
کم	۲۷۱	۲۴/۲	۲۱۴	۱۹/۱	۲۲۹	۲۰/۴
خیلی کم	۱۲۱	۱۰/۸	۱۲۸	۱۱/۴	۱۳۹	۱۲/۴
اصلاً	۳۴	۳	۴۸	۴/۳	۴۹	۴/۳
کل	**۱۱۲۱**	**۱۰۰**	**۱۱۲۱**	**۱۰۰**	**۱۱۲۱**	**۱۰۰**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۲-۴-۲-۵- شرکت‌های تعاونی روستایی یا کشاورزی

شرکت‌های تعاونی روستایی یا کشاورزی با توجه به بافت روستایی و کشاورزی ایران، نقش به‌سزایی در توسعهٔ روستاها دارند. در تحقیق حاضر، به‌منظور سنجش و بررسی نقش شرکت‌های تعاونی روستایی یا کشاورزی به‌عنوان نهاد مردمی در توسعهٔ روستایی استان مرکزی، طی سئوالی مشخص گردید که این تعاونی‌ها نقش چندان قابل توجهی در توسعهٔ روستاها ندارند. به‌طوری‌که ۵۶/۹ درصد از پاسخ گویان گفته‌اند تعاونی‌های روستایی یا کشاورزی نتوانسته‌اند نیازمندی‌های آنان را برآورده کنند. این در حالی است که تنها ۱۷ درصد از پاسخ گویان اذعان به نقش زیاد تعاونی‌ها در رفع نیازمندی‌های روستائیان داشته‌اند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

نوشتاری که از نظر گذشت، تقریری بود بر مدرنیتهٔ منحرف (تک‌بعدی، ظاهری و بی‌قواره) روستایی، که در حال حاضر در روستاهای کشور رسوخ کرده و نتوانسته ارزانی‌دار توسعه روستایی یکپارچه گردد. البته در حوزه‌هایی بهبود نسبی حاصل شده، منتهی عدم انطباق آن‌ها با حوزه‌های دیگر، لاجرم به توسعه‌نیافتگی روستایی انجامیده است. در این تحقیق، بنا به تز محوری آن، مشکلات اجتماعی روستائیان عمدتاً ریشه در ساختارها و سامان‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعهٔ روستایی دارند. مطالعهٔ حاضر با به‌پرسش‌گرفتن وضعیت مدرنیتهٔ روستایی در استان مرکزی، به طرح سئوالات و تنظیم اهدافی در این خصوص پرداخت و نتایجی دال بر تأیید این تز حاصل گشت:

۱- مشاهدات تحقیق نشان از وجود نوعی مدرنیتهٔ ناهماهنگ روستاها داشت، مدرنیته‌ای که با دو وجه غالب اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شود و براساس آن، ما شاهد وجود انواع خدمات اجتماعی (صرفاً بعد فیزیکی و زیربنایی آن) در روستاها هستیم، درحالی‌که در آن سوی فرآیند مدرنیتهٔ روستایی، روستاها متحمل نبود امکانات اقتصادی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مانند چاه‌های عمیق، اشتغال جوانان، وضعیت درآمدی مناسب و... هستند. این تحقیق نشان داد که امکانات فیزیکی و زیربنایی در روستاها بیش از سایر امکانات به‌خصوص امکانات فرهنگی و آموزشی و حتی امکانات اقتصادی به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال، خدمات اجتماعی مانند کتابخانه‌های عمومی، مدرسهٔ راهنمایی و مدرسهٔ دبیرستان، و خدمات اقتصادی مانند چاه‌های عمیق کشاورزی، امکانات صنعتی اشتغال به‌خصوص جوانان و جز این‌ها در روستاها پایین است. در مقابل، خدماتی مانند مرکز بهداشت، آب، برق و تلفن تقریباً اکثریت جامعهٔ روستایی را تحت پوشش دارند. بنابراین، با نگاه فرجام‌گرایی می‌توان اذعان داشت که نبود خدمات و امکانات اقتصادی در روستاها، وضعیتی را در روستاهای استان مرکزی پیش خواهد آورد که هم‌اکنون در روستاهای سایر استان‌ها شاهدیم، یعنی مهاجرت، خالی‌ازسکنه‌شدن روستاها، نبود جوانان و نیروی کار در روستا، زنانه‌شدن[1] روستا و در نتیجه فقر و ... که نتایج بعدی تحقیق نیز که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهد شد، هم دلالت بر افزایش مهاجرت روستائیان به شهرها و هم دلالت بر وجود دافعه‌ها در روستاها و در نتیجه زمینهٔ مهاجرت روستائیان دارد. این درحالی است که براساس نتایج مطالعات پیشین (منصوری، ۱۳۸۸)، توسعه اقتصادی روستاها به‌ویژه از کانال توسعهٔ کشاورزی، بهبود سایر جنبه‌های توسعه مانند توسعهٔ اجتماعی (سواد، مشارکت و مهاجرت) را نیز در پی دارد.

از طرفی، نتایج مطالعات نظری نشان می‌دهد که نوسازی فرآیندی نظام‌یافته است و وقوع تغییری در یک خرده‌نظام، لزوماً تغییرات قابل‌مقایسه‌ای را در دیگر خرده‌نظام‌ها به دنبال خواهد داشت. اندیشه اسملسر، صاحب‌نظر دیدگاه نوسازی، نیز نبود نوعی هماهنگی کارکردی بین ساختارهای نظام روستا در استان مرکزی را تأیید می‌کند و با ادامهٔ سیاست‌های کنونی، نشانه‌های این ناهماهنگی روشن‌تر خواهد بود. با انطباق دیدگاه اسملسر در این خصوص، باید گفت که در روستاهای استان مرکزی، نه تنها

1. feminization

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

تفکیک ساختاری بین عناصر و فعالیت‌ها به وقوع نپیوسته، بلکه در روستاهایی هم که این تفکیک ساختی بین ساختارها و سازمان‌ها صورت گرفته، متأسفانه هماهنگی کارکردی (یعنی فعالیت تکمیلی همدیگر) بین عناصر این ساخت‌های تفکیک‌شده وجود ندارد. اسملسر معتقد است نتیجهٔ نبود این هماهنگی، همانا بروز اغتشاشات اجتماعی است که به‌زعم نگارندگان، این اغتشاشات می‌تواند به مفهوم نابسامانی و نه تنها در زمینه اجتماعی، که به زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی نیز تسری یابد. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که سازمان‌های درگیر در امور روستا به‌صورت هماهنگ با یکدیگر در زمینهٔ توسعه فعالیت ندارند و به همین جهت گاهی شاهد توسعهٔ بی‌شکل و قواره در بعضی از روستاها هستیم. ضمن‌آن‌که، نتایج نشان داد که هنوز روستاهای استان از امکانات زیربنایی و خدماتی مورد نیاز برای توسعه‌یافتگی بی‌بهره‌اند. به‌طوری‌که در ادامه، داده‌ها نشان دادند که روستائیان مورد مطالعه، ارزیابی ضعیفی از امکانات موجود در روستاها دارند و همچنان از نبود برخی امکانات مانند دامپزشکی، دبیرستان، کتابخانهٔ عمومی و وجود چاه عمیق برای کشاورزی شِکوه دارند.

۲- عمدتاً از سال‌های اولیهٔ بعد از انقلاب به خاطر معیارهای ارزشی پیرامون روحیهٔ جهادی، توجه ویژه‌ای به روستاها شد. به‌طوری‌که این امر منجر گردید که وزارت جهاد حدود دو دهه به‌عنوان یک وزارتخانه رسمی و با هدف‌قراردادن روستاها به فعالیت خود بپردازد. اما وزارت جهاد با ماهیت بوروکراتیزه‌شدن خود، گرچه تغییرات چشم‌گیری در جامعهٔ روستایی موجب گشته، اما به دلیل عوامل درون‌سازمانی (فقدان استراتژی بلندمدت، نگرش فیزیکی به فعالیت‌ها و گستردگی وظایف) و برون‌سازمانی (توسعه‌نیافتگی کلان جامعه، مشخص‌نبودن جایگاه توسعهٔ روستایی در سیاست‌گذاری کلان کشور، تبعیض علیه بخش کشاورزی و روستایی در مقابل بخش شهری و پراکندگی روستاها)، در نیل به اهداف توسعهٔ روستایی کاملاً موفق نبوده است (شکوری، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

بعد از آن، توجه ویژه‌ای در قالب تعاونی‌های روستایی و کشاورزی به روستاها گردید. ولی به خاطر نبود برنامه‌ریزی منطقه‌ای و با توجه به شرایط محیطی، گاهاً شاهد تحمیل برنامه‌های متمرکز و ازقبل‌تدوین‌شده در مرکز به روستاها بوده‌ایم. به‌طوری‌که در خیلی از این سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، ملاحظات اقلیمی، اکولوژیکی، اجتماعی و ... دیده نمی‌شد. پس می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌ریزی متمرکز که در ایران بعد از انقلاب به مدت حداقل دو دهه جریان داشت، حدود دو دههٔ قبل ناتوانی خود را در غرب (به‌ویژه کشورهای سوسیالیستی) نشان داده بود.

اما مطالعهٔ حاضر، در این بررسی، به تدقیق نقش این نهادهای دولتی در رشد و توسعهٔ روستاهای استان مرکزی پرداخته است. مهم‌ترین این نهاد، که اصلی‌ترین نهاد مدیریت روستایی در سال‌های اخیر با اتخاذ رویکرد پایین به بالا می‌باشد، شورای اسلامی روستاست. این رویکرد بیان می‌دارد که شوراها در معنای ماهوی و کارکردی خود تاحدودی می‌توانند خلأ بین سازمان‌های دولتی و مردم را پر کنند و حرف‌های مردم را به گوش مسئولین برسانند. در این راستا، سایر تحقیقات نیز نشان داده است که مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژه‌های مربوط به نهادهای محلی بیش از میزان مشارکت آن‌ها در طرح‌ها و پروژه‌های مربوط به نهادهای دولتی و عمومی است. به‌عنوان نمونه، مبارکی (۱۳۷۳) در تحقیق خود دریافت که درصد مشارکت روستائیان در پروژه‌های عمرانی روستایی که از طرف نهادهای محلی مانند شوراها و خانه‌های همیار اجرا می‌شود، بیش از پروژه‌هایی است که نهادها و سازمان‌های دولتی عهده‌دار اجرای آن‌ها هستند. این موضوع نشان از ثمربخشی بیش‌تر نقش نهادهای محلی در توسعهٔ روستایی دارد تا نهادهای بوروکراتیک دولتی.

شورا به‌عنوان یک نهاد مردمی و محور مدیریت روستاها در حدود ۱۰ سال اخیر، می‌تواند نقش محوری در توسعهٔ روستایی ایفا کند. اما آن چه که این تحقیق و مشاهدات مربوطه نشان داد، این بود که عمدهٔ فعالیت‌های چشم گیر شوراها (بنا به دلایلی خارج از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

دایرهٔ این تحقیق) در جاهایی بوده است که به جنبه‌های زیربنایی روستایی و به تعبیری عمدتاً جنبه‌های فیزیکی آن برمی‌گردد. اما مواردی مانند احداث اماکن ورزشی، احداث تعاونی و فراهم‌آوردن امکانات فرهنگی، که انجام آن‌ها نیازمند پیگیری‌ها و تلاش مداوم و بلندمدت است، زمینه‌هایی هستند که کم‌تر در کارنامهٔ عمل کرد شوراها آمده و به عبارتی شوراها تاکنون کم‌تر در این زمینه‌ها فعال بوده‌اند. نتایجی هم که با پرسش از روستائیان حاصل شد، نشان از آن داشت که روستائیان در بیش‌تر مقولات مطروحه در این تحقیق، رضایت چندانی از عمل کرد شوراها نداشتند. به‌عنوان مثال، در رابطه با انتقال خواسته‌ها و نظرات روستائیان به مسئولین و تلاش برای حل اختلافات و درگیری‌های احتمالی بین مردم، روستائیان، در بیش‌تر شهرستان‌ها، عمدتاً رضایت کم و یا متوسطی داشته‌اند. اما در رابطه با موضوع پیگیری و نظارت بر عمل کرد دستگاه‌ها و ادارت در روستا، داده‌ها نشان از رضایت روستائیان از این عملکرد شوراها داشته است. نتایج مطالعهٔ احمدی (۱۳۸۶) نیز دلالت بر آن داشت که شوراهای روستایی نقش موفقی در جلب مشارکت مردمی داشته، اما در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاها ناکام بوده‌اند.

در مورد شرکت‌های تعاونی روستایی و کشاورزی هم، که در ادامهٔ تحقیق به دلیل نقش بالقوهٔ مهم‌شان در توسعهٔ روستایی به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفتند، مطالعه پی برد که این نهادها نیز نقش ضعیفی در امور روستاها داشتند. مشاهدات دقیق‌تر نشان داد که نقش این شرکت‌ها محدود شده است به یک صندوق اعتباری و آن‌هم اعطای مبالغ محدودی وام کوتاه‌مدت. درحالی‌که تعاونی‌های روستایی و کشاورزی حدود ۴ دههٔ پیش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد مدیریت روستایی (جایگزین مالک پس از اصلاحات ارضی) وارد ایران شده و وظایف عدیده‌ای برای آن‌ها تعریف شده است. اما شواهدی که این تحقیق در روستاهای استان مرکزی دریافت، دلالت بر کارکردهای ضعیف این شرکت‌ها داشته است. بنابراین، ملاحظه می‌گردد که تعاونی‌ها نیز به مانند شوراها (در مقام دو نهاد مهم مدیریت روستا)، نتوانسته‌اند مدیریت مؤثری در روستاها، آن‌طورکه باید و شاید، اعمال کنند. به تعبیری، ضعف مدیریت و سازمان دهی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

ناقص، ویژگی بارز نهادهای جدید روستایی بود که برای پرکردن خلأ ناشی از حذف مالک در روستاها شکل گرفتند. با ورود این نهادها به روستاها، رابطهٔ شبه دموکراتیک در روستاها ایجاد شد، اما فاقد محتوای عمل بوروکراتیک و واقعی بود (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۷). موافق با نظر فوران (۱۳۷۸)، این نهادها به نوعی پایه‌های قدرت دولت مرکزی را در روستاها تحکیم کردند و نتوانستند به‌خوبی به مدیریت اجتماعی و تولیدی روستا که یکی از مسائل اجتماعی بارز جامعه روستایی معاصر است، دست یابند (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۵).

۳- در قالب دیدگاه کارکردگرایی ساختاری نیز، چنان‌چه جامعه‌ای جمعیتش را از دست دهد، فرجام زوال آن جامعه زودتر خواهد بود. نتیجهٔ تحقیق حاضر درخصوص مهاجرت روستائیان به شهر، اگرچه از نسبت پایین مهاجرت‌های روستائیان به شهرها در سال‌های اخیر حکایت دارد، اما با توجه به نسبت‌های مهاجرت‌های صورت‌گرفته (در اکثر شهرستان‌ها، حدود یک پنجم جمعیت روستاها)، چشم‌انداز روشنی نمی‌توان برای روستاها از این حیث متصور شد. به بیانی، در آینده، به‌خصوص در صورت ادامهٔ روند سیاست‌گذاری کنونی عوامل و دست‌اندرکاران کشور مبنی بر شهری‌زدگی، شاهد کاهش فزایندهٔ مهاجرت روستائیان به شهرها خواهیم بود، که طبیعتاً نتایج چنین روندی، و مصداق‌های تبعی آن، در قالب نظریهٔ کارکردگرایی ساختاری می‌گنجد. نتایج حاصل از سنجش گرایش و تمایل خود پاسخ گویان به‌عنوان یک فرد نوعی روستایی به مهاجرت نیز مقولهٔ دیگری بوده است که در ادامهٔ مقولات پیشین مهاجرت بدان پرداخته شد. نتایجی که از این سنجش و بررسی به دست آمد، نشان از تمایل کم روستائیان به مهاجرت از روستا داشت، تمایلی که به یک مسئلهٔ اجتماعی در روستاهای معاصر ایران تبدیل شده است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۵). اما در عین حال، حدود یک پنجم و گاه یک چهارم و یک سوم از آن‌ها نیز در برخی شهرستان‌ها گفته‌اند اگر شرایط مساعد امکانات و زندگی در خارج از روستا فراهم شود، مهاجرت خواهند کرد. در رابطه با دلائل مهاجرت روستائیان به نقاط دیگر در طی ۵ سال گذشته، مشاهدات نشان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

داد که یافتن کار و نبود امکانات کافی رفاهی در روستا، دو دلیل اصلی مهاجرت روستائیان بوده است. این مهاجرت عمدتاً نتیجهٔ دوگانگی اقتصادی است که براساس پذیرش و کاربست نظریهٔ نوسازی و الگوهای مربوطه در ایران در طی برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب در کشور حاکم گشته است. ضمن‌آن‌که فقدان تنوع شغلی و سرمایه‌گذاری اندک در تولید، موجب ناامیدی و در عین حال مهاجرت قشر جوان روستایی شده است. طبیعی است که چنین مهاجرتی، باعث سال خوردگی جامعهٔ روستایی و در نهایت کاهش درآمد، بهره‌وری، نوآوری و نوپذیری خواهد شد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۹).

۴- درخصوص بعد رسانه‌ای مدرنیتهٔ روستایی، اشاره به اندیشهٔ برگر و لرنر، تکملهٔ نظری آن است. به تعبیر پیتر برگر و همچنین برخی دیگر از صاحب‌نظران پدیدارشناسی و نوسازی مثل دانیل لرنر (که در ایران نیز تحقیق میدانی در دههٔ ۱۹۶۰ انجام داده است)، رسانه‌ها منبع مهم‌ترین تحولات در جوامع بوده و هستند (برگر و همکاران، ۱۳۸۱). لرنر معتقد است فرآیند توسعه با ارتباطات عمومی جدیدی که وسیلهٔ اصلی جامعه‌پذیری و عامل اصلی تغییر اجتماعی است، شروع می‌شود. رسانه‌های گروهی اشاعهٔ عقاید و اطلاعات جدید را تسهیل می‌کند و موجب تکامل فکری و روحی انسان و افزایش تحرک روانی او می‌شود و این انسان نو (به تعبیر اینکلس و اسمیت) به لحاظ ذهنی توسعه را پذیرفته و مدرن شده و بدین ترتیب منشأ توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی است. نتایجی که در این تحقیق درخصوص نقش رسانه‌ها در توسعهٔ مناطق روستایی استان حاصل گردید، نشان از عمل کرد ضعیف صداوسیما و مطبوعات استان در انتقال و اطلاع‌رسانی مشکلات روستاها به مسئولین امر داشته است.

هم چنین، اگر بخواهیم با استفاده از فرضیهٔ آیزنشتاد درخصوص نقش تغییر فرهنگی در نوسازی، به تبیین این موضوع بپردازیم (ازکیا، ۱۳۷۸)، ضعف این تغییر فرهنگی در راستای پذیرش توسعه در روستاهای استان مرکزی بارز است. نوسازی محیط‌های

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

توسعه‌نیافته نیازمند تغییر فرهنگی است. تمامی این‌ها در نهایت مانع از شکل‌گیری آگـاهی طبقاتی روستائیان شده که این امر به نوبهٔ خود، آبستن تبعات منفی برای آن‌ها خواهد بـود. چراکه در قالب رویکرد پدیدارشناسی ـ به‌عنوان یکی از رویکردهای مورد پذیرش در حال حاضر ـ آموزش و آگاهی نقش به سزایی در تغییر ساختار و واقعیـات اجتمـاعی دارد. امـا شرایطی که در رابطه با رسانه‌ها در روستاها حاکم است، نشان از ضعف امکانات فرهنگـی و آموزشی اعم از رسمی و غیررسمی در روستاهای استان بـه‌عنـوان مهـم‌تـرین مـشکلات دارد. بدین ترتیب نمی‌توان شاهد شکل‌گیری نوعی پذیرش توأم با آگـاهی کـه زمینـه‌سـاز تحول روستا گردد، بود. در کنار عوامل فرهنگی، نباید مهاجرت‌های وسیع روستا – شهری که باز از دیگر نتایج این تحقیق بود (و خود مانع اساسی در بازتولید روستاست)، را از نظر دور داشت.

۵- وضعیت اقتصادی نامناسب روستائیان ـ به‌عنـوان همـراه همیـشگی آن‌هـا بـه‌خـصوص در دهه‌های اخیر ـ بار دیگر در تحقیق حاضر از نتایجی بود که مشاهدات تحقیق بر آن دلالـت داشت. به‌طوری‌که طبق نتایج، روستائیان از یک سو از سطح درآمدی پایینی برخوردارنـد، و از سوی دیگر این درآمد تکافوی گذران زندگی آن‌ها را نمی‌کند. علاوه بر مشکل بیکـاری، کمی درآمد و فقر مالی نیز از جمله مشکلاتی است که روستائیان استان با آن مواجه بودنـد. در حال حاضر، مشکل فقر اقتصادی و مالی به یک مسئلهٔ اجتماعی مهم در جامعهٔ روستایی معاصر تبدیل شده است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۵). طبیعتاً وجود این مشکل، ریشه در نبود فعالیت‌های اقتصادی تکمیلی در روستاها دارد (محمدی یگانه، ۱۳۸۳؛ افشاری‌پـور، ۱۳۸۳) که خود محصول راه‌حل‌های بخشی‌نگر (نیای‌گابیه، ۱۳۸۳)، عدم آگاهی روسـتائیان بـا ایـن فعالیت‌ها، عدم آموزش به روستائیان از طرف مسئولین ذی‌ربط، ضعف مالی روستائیان، عدم ریسک‌پذیری روستائیان و ... می‌باشد.

۶- یکی از نتایج این تحقیق، وابستگی به دولت در اندیشه و عمل روستائیان بـود. مـرور بـر تاریخ نوسازی در روستا، به خصوص بعـد از اصـلاحات ارضـی دهـهٔ ۴۰، نیـز نـشان از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

ردپاهای این وابستگی روستائیان به دولت دارد که در طول تاریخ در سنت روستائیان ریشه دوانیده و امروزه در صورت‌های مختلف رخ نموده است. نتایج نشان داد علی‌رغم این که پاسخ گویان اعتقاد دارند روستائیان باید به دولت و مسئولین در حل مشکلات روستاها کمک کنند، اما این اعتقاد آن‌قدر قوی نیست. چراکه در عین حال نسبت قابل‌توجهی، و با تفاوت نه چندان زیادی، از آن‌ها نیز معتقد بودند کمک روستائیان به دولت برای حل مشکلات روستاها در سطوح زیاد و خیلی زیاد ضرورت ندارد. بنابراین، در نهایت این وظیفهٔ خود دولت است که به رفع و رجوع مشکلات روستاها و روستائیان بپردازد. حتی این پاسخ گویان بر این باور بوده‌اند که این مسئولین هستند که هم توانایی تشخیص و هم توانایی حل مشکلات روستاها را دارند. ضمن‌آن‌که بعد از مسئولین، به‌زعم پاسخ گویان، منبع اصلی تشخیص و حل مشکلات روستاها اعضای شورای اسلامی روستا هستند. تنها پس از این گزینه است که شاهدیم براساس نتایج تحقیق، روستائیان اعتقاد داشته‌اند مردم هم می‌توانند در کنار مسئولین، مشکلات روستاها را شناسایی و سپس در جهت رفع آن‌ها اقدام کنند. این نتایج تماماً دال بر این امر می‌باشند که دولت همه‌کاره است؛ دولت پدر روستاست (شاید هم چون روستا، به‌زعم روستائیان، مال دولت است)؛ اگر دولت نباشد، روستائیان کاره‌ای نیستند و ... همه این موارد نشان می‌دهد که اگر هم توسعه و پیشرفتی در بعضی زمینه‌ها در روستاها صورت گرفته، به صورت وابسته به دولت است. در ادبیات توسعه، همیشه وابستگی به دولت و دولت‌گرایی منفی مورد نقد قرار گرفته است. از این رو، در چنین شرایطی لازم است که مسئولین مربوطه قبل از اقدام به هرگونه فعالیت توسعه‌ای، ابتدا در بعد نرم‌افزاری یعنی اذهان مردم به انجام فعالیت‌های آموزشی و ترویجی مبادرت نموده و از این رهگذر آن‌ها را برای پذیرش توسعه و مسئولیت‌پذیری بعدی آشنا سازند. تنها در چنین شرایطی است که فعالیت شروع‌شده (با مشارکت خود مردم) می‌تواند ادامه پیدا کند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع و مآخذ

References

- آسایش، محمد (۱۳۷۶)، **برنامه‌ریزی توسعهٔ روستایی**، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- احمدی، علی (۱۳۸۶)، تحلیل عملکرد شوراهای اسلامی در توسعهٔ روستایی (نمونه موردی: دهستان حکیم آباد شهرستان زرندیه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴الف)، **جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی**، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴ب)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعهٔ روستایی**، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۸)، **جامعه‌شناسی توسعه**، تهران، نشر کلمه.
- افشاری‌پور، اعظم (۱۳۸۷)، مهاجرت از شهر به روستا (مطالعهٔ موردی روستای کاظم‌آباد از توابع شهرستان رباط کریم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۷)، **نوسازی و پسانوسازی** (ترجمهٔ علی مرتضویان)، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۳، پاییز.
- برگر، پیتر و همکاران (۱۳۸۱)، **ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی** (ترجمهٔ محمد ساوجی)، تهران، نشر نی.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعهٔ روستایی در ایران**، تهران، نشر قومس.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، **نظریهٔ جامعه‌شناسی در دوران معاصر** (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران، انتشارات علمی.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۷۹)، مسائل جامعه‌شناختی اجتماعات روستایی در ایران، **مجموعه مقالات بررسی مسائل اجتماعی ایران**، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، انتشارات آگاه.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۵)، **مسائل جامعه‌شناختی اجتماعات روستایی در ایران**، در: صداقت‌زادگان، شهناز (سرویراستار)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، صص ۲۶۶-۲۳۰.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع و مآخذ References

- سو، آلوین ی (۱۳۷۸)، **تغییر اجتماعی و توسعه** (ترجمه محمود حبیبی مظاهری)، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شکوری، علی (۱۳۸۶)، بررسی نقش جهاد سازندگی در توسعهٔ روستایی، **مجموعه مقالات اولین همایش فرهنگ و مدیریت جهادی**، تهران، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی.
- شکوری، علی (۱۳۸۴)، **سیاست‌های توسعهٔ کشاورزی در ایران**، تهران، انتشارات سمت.
- طالب، مهدی (۱۳۷۳)، مسائل و موانع جامعه‌شناختی توسعه روستایی در ایران، **فصلنامهٔ علوم اجتماعی**، شماره ۷، تهران، انجمن جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.
- طالب، مهدی (۱۳۷۶)، **مدیریت روستایی در ایران**، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- فخرالدین تفتی، محمدحمید (۱۳۷۴)، **روابط شهر و روستا و نقش آن در توسعه روستایی مورد دهستان شیرکوه یزد**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- فوران، جان (۱۳۷۸)، **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران** (ترجمه احمد تدین)، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۷)، بررسی جامعه‌شناختی مدیریت روستایی در ایران، **مجموعه مقالات اولین همایش جامعه‌شناسی و مدیریت، تهران**، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- مبارکی، محمدحسین (۱۳۷۳)، **جایگاه سازمانهای محلی در توسعه همه‌جانبه روستایی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- محمدی یگانه، بهروز (۱۳۸۳)، **نگرش ساختاری به مهاجرتها و ناپایداری روستاها: مطالعه موردی استان زنجان** (۷۵-۱۳۵۵)، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- مشرفی، مهدی (۱۳۷۱)، **سیاست‌های توسعهٔ روستایی و نقش آن در دگرگونی ساختار کشاورزی ایران سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۷۰ ه. ش**. (نمونه: بررسی ساختار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع و مآخذ References

دگرگون‌شده کشاورزی در شهرستان ارومیه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

- منصوری، مریم (۱۳۸۸)، **نقش و جایگاه کشاورزی در توسعهٔ روستایی** (مطالعه موردی دهستان سلطانعلی گنبد کاووس)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.

- نیای‌گابیه، حسین اسماعیل (۱۳۸۳)، **توسعهٔ اشتغال در نواحی روستایی** (مطالعهٔ جغرافیای کار در شهرستان لاهیجان)، رسالهٔ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.

- Bery S. et al., (2004**), The nature of rural infrastructure: problems and prospects**, National Council of Applied Economic Research (NCAER), India.
- Kostov, P. and Lingard, J. (2004**), Integrated rural development: do we need a new approach?**, p.kostov@qub.ac.uk
- Long, N. (2001), **Development sociology: actor Perspectives, London and New York: Routledge Press**, Taylor & Francis Group.
- Maxwell, S. (2003), **Implementation Challenges in Rural Development**, Overseas Development Institute.
- Parker, A. N. (1995), Decentralization: **The Way Forward for Rural Development?**, World Bank Policy Research Working Paper No. 1475.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]